

ارزیابی ترجمه ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ﴾

ضَحَى ﴿طه / ۵۹﴾ در ترجمه‌های مشهور قرآن کریم

کاووس روحی برندق*

استادیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران

محسن فریادرس**

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران

خدیجه فریادرس***

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشکده علوم و فنون قرآن، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹)

چکیده

ترجمه قرآن یکی از مسائل نو در حوزه قرآن پژوهی است که در سده کنونی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این نهضت، با وجود نقاط قوت فراوان، نقاط ضعفی نیز دارد. یکی از این نقاط ضعف، در معادل‌یابی آیه ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى﴾ دیده می‌شود. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی ترجمه‌های معاصر مشهور قرآن (شامل ترجمه‌های فارسی: آیتی، الهی قمش‌ای، رضایی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، کاویان‌پور، گرمارودی، مجتبی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم، از ترجمه‌های انگلیسی، بیکتال و صفارزاده و از ترجمه‌های آمریکایی، ترجمه شاکر) از این آیه را با دقت شایانی مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده که نزدیکترین ترجمه به ترجمه صحیح این آیه، ترجمه مشکینی و بهترین روش ترجمه نیز ترجمه تفسیری است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه‌های معاصر قرآن، حضرت موسی (ع).

* E-mail: k.roohi@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: m.faryadres@modares.ac.ir

*** E-mail: faryadres@chmail.ir

مقدمه

از آنجا که انتقال علوم و معارف زبان‌های دیگر برای بهره‌گیری و تضارب آراء، تنها از راه ترجمه میسر است، قرآن نیز در یک قرن اخیر محور توجه مترجمان قرار گرفته است. اما رعایت دقت در این مصحف شریف اهمیت بیشتری دارد. حساسیت قرآن از آنجا ناشی می‌شود که از منبعی برتر از مادهٔ نشأت گرفته است و منبعی برای هدایت بشر در تمام اعصار است. بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی و انگلیسی، بیانگر آن است که در انتقال معنا در این ترجمه‌ها، با وجود نقاط مثبت، نقاط ضعف فراوانی نیز وجود دارد (ر.ک؛ روحی برندق، ۱۳۹۴: ۱۲۰). یکی از موارد کاستی ترجمه‌ها، ترجمهٔ آیهٔ میعاد حضرت موسی^(ع) با ساحران فرعون است.

حضرت موسی^(ع) به عنوان پیامبری که قرآن کریم بیشترین ماجراها را از او گزارش کرده، در مسیر هدایت قوم خود به کمال و سعادت جاودانه، معجزات گوناگونی را در برابر مخالفان ارائه داده است. این مسیر گاهی با مقابله‌هایی با مخالفان و معاندان مواجه می‌شد. یکی از این مقابله‌ها، تقابل آن حضرت با فرعون برای هدایت وی بود: ﴿اِذْهَبَا اِلَى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغَىٰ * فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه / ۴۳-۴۴). این رویارویی سرانجام با ارائهٔ معجزهٔ تبدیل شدن عصا به اژدها و استنکاف فرعون در پذیرش هدایت پایان یافت: ﴿وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اٰیٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَاٰبِی * قَالَ اَجِئْتُنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ اَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسٰی﴾ (طه / ۵۶-۵۷). اما از آنجا که فرعون مدعی ساحر بودن حضرت شد، از وی درخواست موعدی برای برگزاری مسابقه بین ساحران فرعون و او کرد: ﴿فَلَمَّا تَبَيَّنَكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَاَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهٗ نَحْنُ وَلَا اَنْتَ مَكَانًا سُوٰی﴾ (طه / ۵۸). حضرت موسی^(ع) نیز با بیان آیهٔ ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَاَنْ يُخْشَرَ النَّاسُ ضَحٰی﴾ (طه / ۵۹)، روز و زمان مسابقه را تعیین کرد و آنگاه در نهایت، با ارائهٔ معجزهٔ عصا بر سحر ساحران غلبه کرد و پیروز شد.

بر این اساس، با توجه به چالش موجود در معنای «یوم الزینة»، «واو»، «آن یحشر» و «ضحی»، مسئله مورد توجه این مقاله، بررسی معنای ترجمه آیه ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى﴾ و ارائه نوع روش ترجمه برای آن است. از این رو، در ابتدا معادل تمام واژگان این آیه را با توجه به چالش موجود در آن مورد بررسی قرار داده، سپس از میان ترجمه‌های قرآن، ترجمه‌های معاصر قرآن، شامل ترجمه‌های فارسی آیتی، الهی قمشه‌ای، رضایی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، کاویان‌پور، گرمارودی، مجتبی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم شیرازی، از ترجمه‌های انگلیسی، پیکتال و صفارزاده و از ترجمه‌های آمریکایی، ترجمه شاکر را با دقت بسیار به صورت تفکیکی و کلی مورد واکاوی قرار داده است و ترجمه پیشنهادی را که انعکاس صحیحی از این آیه است، ارائه می‌دهد که با بررسی‌های مختلف، پژوهشی که با موضوع تحقیق مرتبط باشد، یافت نشد، گرچه موضوع مقاله «ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم، مشتمل بر ماده حشر» از کاووس روحی برندق، علی حاجی‌خانی و محسن فریادرس در مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی، (۱۳۹۴، ش ۱۲، صص ۱۱۹-۱۴۴)، به دلیل معادل‌یابی واژه «حشر» ظاهراً با این تحقیق در ارتباط است، اما این مقاله درباره مفهوم‌شناسی واژه «حشر» در حوزه قیامت است، نه تمام استعمال‌های قرآنی آن. بر این اساس، مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- مفهوم تک تک واژگان آیه ۵۹ سوره طه با توجه به کتب لغت، تفسیر، نحو و بلاغت چیست؟
- ۲- عملکرد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم در ارائه ترجمه چگونه ارزیابی می‌شود؟
- ۳- کدام روش ترجمه برای ترجمه این آیه موفق‌تر است؟

۱- تبیین روش‌های ترجمه قرآن

روش‌های ترجمه قرآن عبارتند از:

۱-۱) ترجمه لغوی (لفظ به لفظ)

در این روش که از آن دو معنای «ترجمه واژه‌های دشوار قرآنی به زبان مقصد یا ترجمه پیوسته مفردات قرآن، همگام با ساختار زبان مبدأ» اراده می‌شود و هدف اصلی در معنای دوم این نوع ترجمه، انتقال معنای واژه‌های زبان مبدأ به زبان مقصد در صورت و قالبی مشابه صورت و قالب زبان مبدأ است. واحد ترجمه در این نوع ترجمه نیز معمولاً تکواژ و گاه واژه است (ر.ک؛ جواهری، ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۴۱).

۱-۲) ترجمه تحت اللفظی

هدف اصلی در این نوع ترجمه، انتقال معنای الفاظ و دقایق دستوری است، ولی توجه به آن به انتقال پیام یا محتوای بافتی متن مبدأ بیش از ترجمه لفظ به لفظ است و خواننده تا حدودی، هرچند با دشواری، پیام را دریافت می‌کند. واحد ترجمه در آن، «واژه» و گاه «تکواژ» است (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۱۸ و همان: ۱۴۲).

۱-۳) ترجمه امین (وفادار یا معادل)

ترجمه وفادار، حدّ فاصل ترجمه «تحت اللفظی» و ترجمه «معنایی» است. هدف مترجم در این نوع ترجمه، انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ با رعایت ساختارهای ادبی و بلاغی و ظرافت آنها به ساختارهای معیار زبان مقصد است. واحد ترجمه با هدف ترجمه معادل، از کوچکترین واحد تا بزرگترین آنها متغیر است. مترجم می‌کوشد با انتخاب واحدهای کوچکتر، ساختارهای مبدأ را به ساختارهای معیار مقصد منتقل کند (و معمولاً ساختارهای مشابه منتقل می‌شود) و چنان چه رعایت ساختارهای مقصد او را از انتخاب واحد پایین تر بازداشت، به واحدهای بزرگتر روی می‌آورد (ر.ک؛ همان: ۱۴۳).

۱-۴) ترجمه معنایی (محتوایی)

این ترجمه اغلب خوش خوان تر از ترجمه‌های پیشین و برای مترجمان، ساده‌تر از ترجمه وفادار است. هدف ترجمه، انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ به زبان معیار متن مقصد است. مترجم در این نوع ترجمه، به ساختارهای ادبی و بلاغی متن مبدأ بسان ترجمه وفادار، وفادار نیست. واحد ترجمه اغلب جمله است، ولی مترجم خود را برای حرکت در واحدهای پایین تر آزاد می‌بیند و به اقتضا از آنها استفاده می‌کند (ر.ک؛ همان: ۱۴۴).

۱-۵) ترجمه آزاد (یا مفهومی)

در این نوع ترجمه، مترجم برداشت‌های تفسیری خود را در ترجمه، بدون نشانه‌های مشخص کننده (پرانتر یا قلاب)، منتقل می‌سازد. واحد ترجمه اغلب بند و آنگاه جمله است و گاهی نیز بین این دو، شناور می‌باشد (ر.ک؛ همان: ۱۱۹-۱۲۰ و همان: ۱۴۷ و ۱۴۹).

۱-۶) ترجمه تفسیری

در این نوع ترجمه، مترجم برای بازسازی فضای آیه در زبان مقصد و انتقال بهتر مفاهیم و نیز ارائه معنای تفسیری و مانند آن، توضیح‌هایی را در لابه‌لای ترجمه خویش در قلاب و پرانتر و با دسته‌بندی و ردیف کردن و عنوان‌گذاری و استفاده از علائم و رموز جدید نگارش و یا توضیح پاره‌ای از مطالب لازم در پانویس یا مقدمه می‌آورد (ر.ک؛ همان: ۱۲۰ و ۱۴۸) که واحد ترجمه، معمولاً جمله است.

۲- واکاوی تفکیکی کلمات آیه و ارزیابی ترجمه‌های آنها

در این بخش، بر اساس کتب لغت و تفاسیر به معادل‌یابی دقیق کلمات آیه ذکر شده می‌پردازیم و آنگاه بر اساس آن معادل‌ها، ترجمه پیشنهادی ارائه می‌گردد و در پایان نیز ترجمه‌های مشهور معاصر از این آیه ارزیابی می‌شود.

۲-۱) «مَوْعِدِكُمْ»

لغویون و مفسران غالباً این واژه را به معنای زمانی، مکانی و مصدری ترجمه کرده‌اند (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۴.ق. ج ۲: ۲۲۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴.ق. ج ۳: ۴۶۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳: ۱۴۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰.ق. ج ۲۲: ۶۴ و آلوسی، ۱۴۱۵.ق. ج ۸: ۵۳۰). اما از سیاق آیه، معنای «زمانی» برداشت می‌شود؛ زیرا این امر با «یوم الزینة» در این آیه و «مواعد» موجود در آیه ماقبل ﴿... فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ...﴾ (طه / ۵۸) سازگار است، نه معنای «مکانی» یا «مصدری».

همچنین، اقتضای فضای آیه و سلیس بودن معنا و نیز طبق آیه ﴿فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا﴾، درج «(ما)» در ترجمه است که وجه حذف معادل آن در آیه، اطمینان حضرت موسی^(ع) برای حضور خود است. لذا به جای اینکه بگوید: «مَوْعِدُنَا وَايَاكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ» فرمود: ﴿مَوْعِدِكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ﴾. از این رو، بهترین روش ترجمه در معادل‌یابی از «مَوْعِدِكُمْ»، روش تفسیری در معنای «زمان قرار (ما و) شما» لحاظ می‌شود.

ترجمه‌های ارائه شده از سوی مترجمان عبارت است از:

- آیتی، صفوی و فولادوند: موعده شما.
- الهی قمش‌ای و کاویان‌پور: وعده ما و شما.
- رضایی، مجتبیوی، مصباح‌زاده و معزی: وعده گاه شما.
- صفارزاده: وعده شما.
- گرمارودی: وعده (ی ما با) شما.

○ **مشکینی:** وعده گاه (ما و) شما.

○ **مکارم شیرازی:** میعاد ما و شما.

○ **Pickthall:** Your tryst (میعادتان)

○ **Saffarzadeh & Shaker:** Your appointment (وعده تان).

این اسم در ترجمه رضایی، مجتبوی، مصباح زاده، معزی، صفارزاده (فارسی و انگلیسی)، گرمارودی، مشکینی، مکارم شیرازی، پیکتال و شاکر در معنای «مکانی» ترجمه شده است که معادلی غیر صحیح برای آن است؛ زیرا میعاد، میعاد گاه، وعده، وعده گاه، «جاهایی» هستند که دو گروه با هم عهد اتفاق می بندند و قرار و مدار کارهای خود را می دهند. همچنین، معادل «موعد» در ترجمه های آیتی، صفوی و فولادوند نیز به دلیل ترجمه مبهم، ترجمه ضعیفی هستند؛ زیرا در مکانی یا زمانی و یا مصدری بودن این معادل، تردید وجود دارد و مشخص نیست که مقصود مترجم برای خواننده، کدام موعد است.

افزون بر این، عدم درج «ما» در ترجمه های آیتی، پیکتال، رضایی، شاکر، صفارزاده (فارسی و انگلیسی)، صفوی، فولادوند، مجتبوی، مصباح زاده و معزی نیز از سلیس بودن معنا کاهش داده است. هر چند این امر در ترجمه های الهی قمشه ای، کاویان پور و مکارم شیرازی لحاظ شده است، اما عدم درج نشانک «[] یا ()»، برخلاف ترجمه های گرمارودی و مشکینی، برای اضافه نشان دادن آن معنا در معادل عربی، سبب نقص هایی در این ترجمه ها شده است.

۲-۲) یوم الزینة

بعضی از لغویون «یوم الزینة» را دو واژه و مراد از آن را «یوم العید؛ اطلاق الیوم فی مورد النهار و فی مقابل اللیل: روز عید در مقابل شب عید» می دانند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۱۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۶۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۲۸۱). اما برخی دیگر آن را به عنوان یک ترکیب و در معنای «یوم الزینة:

العید» و نه «روز عید» ترجمه کرده‌اند (ر.کغ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۳: ۲۰۲ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۸: ۲۶۸).

در بین مفسران نیز طبری دو قول «روز عید» (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۱۸۱ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۵: ۱۲۰) و «روز سوق» را بیان داشته است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۶: ۱۳۴) و فخر رازی دو قول «روز نوروز» و «روز عاشورا» را به آن دو افزوده است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۲: ۶۴). در این بین، صاحب روح‌المعانی نیز با اشاره به همین معانی، «روز عید» را ترجیح می‌دهد (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۸: ۵۳۰). اما برخی دیگر، معادل «روز زینت» را به دلیل اینکه این معنا منعکس‌کننده یکی از اعیاد است، ترجیح می‌دهند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۳: ۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۱۷۳ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۵: ۱۲۶).

به هر روی، اصل معادل «یوم الزینة»، «عید» یا «روز زینت» است، نه «روز عید»؛ زیرا عید بودن آن روز از ترکیب «یوم الزینة» برداشت شده است نه از «الزینة». پس سزاوارتر این است که معادل «روز زینت» برای آن انتخاب شود، نه «روز عید»، و معنای لغوی «زین» نیز همین امر را تصریح دارد که «زین» ضد «شین: زشتی» است. لذا این واژه، اسمی جامع برای هر چیزی است که به وسیله آن مزین می‌شود؛ یعنی «آرایش» که اسم مصدر است، نه مصدر (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۴ق.، ج ۷: ۳۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۳: ۲۰۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق.، ج ۳: ۴۱ و طریحی، ۱۳۷۵ق.، ج ۶: ۲۶۲). با وجود این، از بین دو معادل «عید» و «روز زینت»، معنای دوم صحیح است؛ زیرا اولاً تا وقتی که معادل حقیقی در معنای آیه خدشه وارد نمی‌کند، برگزیدن معنای مجازی صحیح نخواهد بود. ثانیاً حضرت موسی^(ع) دلیلی بر بیان نکردن «عید» یا «روز عید» نداشته است؛ زیرا همان‌گونه که همه لغویون و مفسران اتفاق نظر دارند، آن روز، «عید» بوده است، اما به جای آن، «یوم الزینة» را بیان کرد، چون می‌خواهد به مردم را ترغیب به انجام دادن یک سنت حسنه کنند که در اعیاد خود را زینت دهید. پس درج معنای «روز آرایش» مناسب‌ترین معنا است. اما برگزیدن معنای «عید» برای این ترکیب، نه تنها خالی از اشکال است، بلکه

ضروری هم هست؛ زیرا وقتی دلیل حاضر شد، قطعاً مدلول نیز وجود دارد؛ یعنی استفاده از ترکیب «یوم الزینة» از سوی حضرت، قطعاً دلالت بر روزی خاص دارد که شاید مصداق اتم آن «عید» باشد، چون عموماً افراد در جشن‌های سرور انگیز، خود را با لباس‌های زیبا می‌آرایند. در هر حال، چون ممکن است درج ترجمه تحت‌اللفظی «روز زینت» برای «یوم الزینة» سبب سردرگمی برخی از خواننده‌ها شود، استفاده از واژه عید به‌عنوان ترجمه تفسیری از این ترکیب ضروری خواهد بود. پس ترجمه‌ای که برای این ترکیب پیشنهاد می‌شود، ترجمه‌ای تفسیری به صورت «روز آرایش (عید)» است.

ترجمه‌های معاصر نیز این ترکیب را به صورت ذیل معنا کرده‌اند:

- آیتی و مشکینی: روز زینت.
- الهی قمش‌ای: روز زینت (یعنی روز عید قبطیان).
- رضایی: روز آرایش (عید).
- صفارزاده: روز عید زینت [معابد].
- صفوی: روز عید، روز جشن و آیین.
- فولادوند: روز جشن.
- کاویان‌پور: روز عید (قبطیان).
- گرم‌رودی: روز (جشن) «آرایش».
- مجتبی‌وی و مکارم: روز آرایش - روز عید - .
- مشکینی: روز زینت.
- مصباح‌زاده و معزی: روز آرایش.
- Pickthall: the day of the feast (روز جشن).
- Saffarzadeh: On the Day of Festival [of the temples Which is a holiday (در روز عید [از معابد که یک روز تعطیل است]).
- Shaker: the day of the Festival (روز عید).

با بررسی ترجمه‌های فوق، چنین به دست می‌آید که بهترین ترجمه را رضایی به صورت «روز زینت (عید)» ارائه داده است. پس از وی نیز ترجمه‌های الهی قمش‌های، صفوی، مجتبی و مکارم شیرازی با معادل «روز زینت» و ترجمه تفسیری «روز عید» معادلی واضح و معین برای این ترکیب استفاده کرده‌اند؛ هرچند که درج «روز» در عبارت «روز عید» در چهار ترجمه و عدم درج نشانک در ترجمه صفوی از نقایص این ترجمه‌هاست. ترجمه «روز زینت یا آرایش» از آیتی، مشکینی، مصباح‌زاده و معزی نیز با وجودی که معنای تحت‌اللفظی به طور صحیح اشاره شده است، اما ترجمه تفسیری آن را بیان نکرده‌اند و خواننده در ترجمه با ابهام مواجه می‌شود. با وجود اینها، ضعیف‌ترین ترجمه نیز از سوی پیکتال، شاکر، صفارزاده (انگلیسی)، کاویان‌پور و فولادوند با معادل «روز عید / جشن» که معادل «یوم الزینه» نیستند، ارائه شده است؛ زیرا در این ترجمه‌ها، «عید» در ترجمه تحت‌اللفظی معادل «الزینه» ترجمه شده‌اند. همچنین، در ترجمه‌های صفارزاده (فارسی) و گرمارودی با معادل‌های «روز عید زینت [معابد] / روز (جشن) «آرایش»» به دلیل تقدیم و تأخیر، به نوعی معنای عید یا جشن را برای «الزینه» ترجمه کرده‌اند.

۳-۲) جمله اسمیه

جمله اسمیه دو نوع است: ۱- خبری. ۲- انشایی. در جمله خبریه، مدلول بدون سخن راندن از آن در بیرون محقق می‌شود؛ مانند اینکه گفته شود: «العلم نافع» که با گفتن یا نگفتن آن، ثابت است. اما در جمله انشائیه، مضمون آن جز با تلفظ کردن تحقق نمی‌یابد؛ مانند: «إفعل». با این حال، این جمله خود به غیرطلبی و طلبی تقسیم می‌شود. در انشای طلبی، متکلم خواهش‌ای را می‌خواهد بی‌آنکه در اعتقاد متکلم به هنگام طلب حاصل شود. اما انشای غیرطلبی چیزی است که خواهش‌ای را به هنگام طلب نخواهد که همراه با صیغه‌های مدح، ذم، عقود، قَسَم، تعَجَب و رجاء است و عموماً با «رب، لعل و کم خبری» می‌آید (ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۹۱-۹۲).

﴿مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ﴾ اسمیه و انشائیّه است؛ زیرا مدلول بدون گفتن محقق نمی شود. پس ﴿مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ﴾ انشایی غیرطلبی است. از آن روی هم غیرطلبی است که عقدی بین حضرت موسی (ع) و فرعون است و حضرت موسی (ع) طالب چیزی نیست، بلکه خواستار ایجاد یک مفهوم ذهنی است. از این رو، ترجمه آیه بدین صورت است: «زمان وعده (ما و) شما روز آرایش (عید) باشد».

○ آیتی، مجتبوی، مصباح زاده، معزی و مکارم شیرازی: است.

○ الهی قمشه‌ای، رضایی، صفوی، فولادوند، کاویان پور و مشکینی: باشد.

○ گرمارودی: _____.

○ صفارزاده: خواهد بود.

○ Pickthall: Shall be (باید باشد).

○ Saffarzadeh: will be (خواهد بود).

○ Shaker: is (است).

در این ترجمه‌ها، چنان که ملاحظه می شود، ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، رضایی، صفوی، فولادوند، کاویان پور، مشکینی و پیکتال به صورت انشایی (باشد) ترجمه شده و صحیح است. اما در ترجمه‌های آیتی، مجتبوی، مصباح زاده، معزی، مکارم شیرازی و شاکر که به صورت خبریه (است) ترجمه شده است، معادلی صحیح برای آن نخواهد بود. همچنین، ترجمه نشدن از سوی گرمارودی و ترجمه در حالت آینده (خواهد بود) بدون وجود قواعد مربوط به زمان آینده، از نواقص ترجمه این دو ترجمه است.

۲-۴) حرف «و»

درباره «و» موجود در این آیه، عمدتاً دو دیدگاه وجود دارد:

۱- واو، عطف است: غالب مفسران واو را عطف می دانند، اما در معطوف علیه آن اختلاف دارند. برخی آن را عطف به «یوم الزینة» می دانند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۶: ۱۳۵؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق.، ج ۳: ۷۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۲: ۶۴؛ طوسی، بی تا، ج ۷:

۱۸۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۱۷۳ و درویش، ۱۴۱۵ق.، ج ۶: ۲۰۶) که در این صورت آیه به صورت زیر خواهد بود:

«مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَحَشْرِ النَّاسِ: یعنی زمان وعده (ما و) شما روز آرایش (عید) و حشر مردم باشد».

برخی نیز آن را عطف به «الزَّيْنَةُ» بیان کرده‌اند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق.، ج ۳: ۷۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۲: ۶۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۸: ۵۳۱؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۱۸۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۱۷۳ و درویش، ۱۴۱۵ق.، ج ۶: ۲۰۶). آلوسی دلیل این را نداشتن نیاز به تأویل می‌داند. در این صورت نیز معنای آیه به صورت زیر خواهد بود:

«مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَ [يَوْمُ] حَشْرِ النَّاسِ: یعنی زمان وعده (ما و) شما روز آرایش (عید) و [روز] حشر مردم باشد».

۲- مفعولٌ معه است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۱۷۳ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.، ج ۱۰: ۲۳) که طبیعتاً در ترجمه باید معنای «به همراه» درج شود، اما حق این است که با توجه به سیاق، معنای «به شرطی» باید لحاظ شود. لذا علامه طباطبائی وجه آن را حضور همه مردم و رؤیت مسابقه آنها در روز زینت بعید نمی‌داند و از این رو، معتقد است که در این صورت، عبارت «وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَىٰ» برای «قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ» به «اشترط» برمی‌گردد (ر.ک؛ همان). پس این جمله برای جمله ماقبل خود به منزله شرط است. در این صورت، آیه به صورت زیر خواهد بود:

«مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَحَشْرِ النَّاسِ: یعنی زمان وعده (ما و) شما، روز آرایش (عید) باشد، به شرطی که مردم حشر شوند».

اما سیاق آیه اشاره دارد که این واو، مفعولٌ معه است؛ زیرا با وجودی که خداوند متعال به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهد که «إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه/ ۴۳-۴۴)، قطعاً هدف وی تنها محدود به فرعون نیست، بلکه همه مردم آن سرزمین مورد عنایت بوده است تا از طریق حقیقتِ

غالب شدن معجزه بر سحر، به خداوند متعال ایمان بیاورند. اما اگر او را عاطفه تلقی کنیم، هیچ فایده‌ای بر ذکر ﴿وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَّى﴾ وجود ندارد؛ زیرا در این صورت «یوم الزینة» - که در آن، مردم با میل خود در آنجا حضور می‌یابند - با معنای لغوی حشر (وجود اجبار) در تضاد خواهد بود و در صورتی که آن را مفعول معه بدانیم، چنان که ذکر شد، فایده ظریفی خواهد داشت. پس بهتر است که آن را مفعول معه به معنای «به شرطی» ترجمه کنیم.

معنای این واژه در ترجمه‌های معاصر نیز به صورت زیر منعکس شده است:

- آیتی، الهی قمشه‌ای، گرمارودی، مصباح‌زاده، معزی و رضایی: و (روزی).
- صفارزاده: زمانی.
- صفوی: با این شرط.
- فولادوند و کاویان‌پور: _____.
- جتبوی: و آنگاه.
- مشکینی: و روزی/ به شرط.
- مکارم شیرازی: به شرط.

○ Pickthall, Saffarzadeh & Shaker: and.

بر اساس تحلیل صورت گرفته، چنان که ملاحظه می‌شود، تنها صفوی، مکارم شیرازی و مشکینی در یکی از دو قول خود، آن را به صورت صحیح ترجمه کرده‌اند و دیگر مترجمان یا ترجمه‌ای را ارائه نداده‌اند و یا آن را به صورت عطف ترجمه کرده‌اند که معادلی صحیح برای آن نخواهد بود. همچنین، ترجمه واو به صورت «إذ» زمانی از سوی صفارزاده اشتباه و ترجمه «عاطفه - زمانی» از رضایی و مجتبوی علاوه بر اشتباه بودن، مشتمل بر زیادت معنایی «و» هستند، اما ترجمه زمانی از «واو»، خدشه‌ای به محتوای ترجمه وارد نمی‌کند؛ زیرا ترجمه زمانی، قسمت نخست آیه را مشروط به تحقق قسمت نخست می‌کند؛ یعنی «زمانی» که مردم جمع شوند، زمان وعده است؛ یعنی نوعی «شرط».

۵-۲ «أَنْ يُحْشِرَ»

این واژه در لغت به معنای «جمع کردن و سوق دادن» است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق.، ج ۲: ۶۷-۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.:: ۲۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۴: ۱۹۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ق.:: ۲۶۸؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق.، ج ۶: ۲۷۶ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۲۴). با بررسی کاربردهای قرآنی این واژه در حوزه معنایی «معاد»، دو معنای «جمع کردن» (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۶: ۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۴۳۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۱۱: ۲۷۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۹۰ و...) و «جمع کردن + اجبار + سوق دادن» (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۱۷۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۱۷۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۴: ۹۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۱۹۵) دریافت می شود (ر.ک؛ روحی برندق، ۱۳۹۴: ۱۲۲-۱۲۷). اما معنای «اجبار» برای حشر در این آیه و دیگر کاربردهای مادی آن، برخلاف حوزه معنایی معاد که استفاده از معنای «اجبار» برای نشان دادن هولناکی آن حادثه است، صحیح نیست؛ زیرا بعد از برقراری عقد قرارداد، فرعونیان به فرعون گفتند: ﴿قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾ (الأعراف/ ۱۱۱) یا: ﴿قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾. حاشرین نیز برای حضور اختیاری و نه اجباری مردم، با دو هدف از آنها دعوت کردند: ۱- تحریک و تشویق مردم برای جمع شدن در آن روز با توجه به جمله استفهامی موجود در آیه ﴿وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مَجْتَمِعُونَ﴾ (الشعراء/ ۳۹) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۲۷۴). ۲- کنایه موجود در آیه ﴿لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ﴾ (الشعراء/ ۴۰)، برای تشویق ساحران در اهتمام و جدیت بردن مسابقه به جای تصریح بر پیروی از ساحران بعد از پیروزی که در حقیقت، پیروی از مسلک فرعون بود (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۳: ۳۱۲). پس قطعاً معنای «اجبار» در کاربرد مادی این واژه، محلی از بحث ندارد و معنای «جمع کردن و سوق دادن» معنایی مناسب برای آن خواهد بود. اما ممکن است این معنای «سوق دادن» با اشکال اختیاری بودن در آیه ۳۹ سوره شعراء و کنایه لطیف موجود در آیه ۴۰ همان سوره مواجه شود، اما این اشکال وارد نیست؛ زیرا اولاً به

اجماع لغویون این واژه تقریباً در دو معنای ادغامی «جمع و سوق» کاربرد دارد که عدول از آن صحیح نخواهد بود. ثانیاً با توجه به شرط حضرت موسی^(ع) برای حضور مردم، می‌توان این نکته را برداشت کرد که ممکن است اکثریت مردم نخواهند در این مراسم حضور داشته باشند. لذا وی شرط می‌کند که جمع و سوق داده شوند و چون فرعون نیز به هر دلیلی از جمله تعجیل، عصبانیت و... این شرط را قبول کرده است، ممکن است به دلیل راضی نگه داشتن مردم از خود با لفظ «مجمعون» بهره برده باشد که این تعبیر با زیرکی هدف دوم از جمع کردن اختیاری مردم سازگارتر است. ثالثاً در سوق دادن معنای اجبار آن‌چنانی نهفته نیست، بلکه به نوعی به هدایت مردم به سویی اشاره دارد. رابعاً حتی با وجود این دلایل، باید متذکر شد که حضرت موسی^(ع) تنها درصدد اثبات حق بودن دین و راه خود به فرعونیان نبود و از این روی، شرط می‌کند همه مردم حضور داشته باشند؛ زیرا این احتمال وجود دارد که شاید مردم به دلایلی همچون فرار از درگیری و تنش در روز عید و... تمایل به آمدن نداشته باشند، لذا برای آنها شرط می‌کند که همه مردم جمع و سوق داده شوند تا با دیدن غلبه معجزه بر سحر، حجت بر همه تمام شود.

همچنین، اضافه شدن حرف ناصبه «أن» به فعل مضارع، معنای آن را از مضارع اخباری (می + بُن مضارع) به مضارع التزامی (ب + بن مضارع بدون شناسه) تغییر می‌دهد.

پس در ترجمه این واژه باید سه مؤلفه در نظر گرفته شود: ۱- ترجمه «أن». ۲- ترجمه مضارع مجهول «يُحْشَرُ». ۳- ارائه ترجمه به صورت مضارع التزامی. بر این اساس، با توجه به مجهول بودن فعل و جمع بودن نائب فاعل خود (الناس) ترجمه پیشنهادی برای «أن يُحْشَرُ» عبارت است از: «... که جمع و سوق داده شوند». اما اقتضای سیاق آیه برای فهم ترجمه‌ای از آیه، ارائه ترجمه تفسیری به صورت «... که (از سوی مأموران اعلام شود)... (به سوی وعده‌گاه) گرد و رانده شوند».

○ آیتی: گرد آیند.

○ الهی قمشه‌ای: گرد آورده شوند.

○ رضایی و مجتبوی: که گرد آوری شوند.

- صفّارزاده: که... اجتماع کنند.
- صفوی: که روانه گردانند.
- فولادوند: که گرد می آیند.
- کاویان پور: جمع شوند.
- گرمارودی و معزی: آنکه گرد آورده شوند.
- مشکینی: که گرد هم می آیند.
- مصباحزاده: آنکه جمع کرده شوند.
- مکارم شیرازی: اینکه جمع شوند.
- **Pickthall:** let_hass emble (اجازه دهید... جمع آیند).
- **Saffarzadeh:** are free And can assemble (آزادانه جمع شوند).
- **Shaker:** let ... be gathered (اجازه دهید ... جمع شوند).

چنان که در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود:

الف) حرف «آن» تنها در ترجمه رضایی، صفوی، فولادوند و مشکینی به شکل صحیح اشاره شده، اما آیتی، الهی قمشاهی، کاویان پور، پیکتال، صفّارزاده (انگلیسی) و شاکر با ترجمه نکردن و در گرمارودی، مصباحزاده، معزی و مکارم شیرازی نیز با معادل‌های اشتباهی این معنا را بیان کرده‌اند.

ب) همه مترجمان جز فولادوند که ترجمه «روان کردن» را برای واژه «یحشر» ارائه داده است، معنای «جمع شدن» را بیان کرده‌اند که در هر حال، این ترجمه‌ها با توجه به تحلیل صورت گرفته، معادل‌های ناقصی هستند.

ج) با وجود دو مورد فوق، معنای التزامی که در عبارت ترکیبی «أَنْ يُحْشَرَ» وجود دارد، در ترجمه‌های فولادوند و مشکینی رعایت نشده است.

د) در ترجمه‌های آیتی، صفّارزاده، فولادوند و مشکینی، فعل به صورت مجهول ترجمه نشده است.

۶۲) النَّاس

نکته مهم موجود در «النَّاس»، «ال» آن است که قطعاً «ال» استغراق است؛ زیرا اولاً وقتی قرار شد که سردمداران کفر و ایمان در آنجا حضور یابند، قطعاً مقصود حضرت موسی (ع) از جمع شدن ناس، همه مردم بوده است، نه عده خاصی. ثانیاً دعوت حضرت موسی (ع) برای عده‌ای خاص نبوده تا بگوییم مراد آن حضرت، برخی از مردم بوده است، بلکه دعوت وی برای همه مردم است. با وجود این، الف و لام استغراق به قدر کفایت است، نه استغراق به معنای «همه مردم»؛ زیرا این امر واضحی است که ممکن است یک نفر نیاید. از این رو، معنای آن «مردم» است، نه «همه مردم»، همان‌گونه که در غالب ترجمه‌ها جز آیتی، مکارم شیرازی و شاکر رعایت شده است:

○ آیتی و مکارم شیرازی: همه مردم.

○ الهی قمشه‌ای: مردم... همه.

○ رضایی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، کاویان پور، گرمارودی، مشکینی،

○ معزی: مردم.

○ مجتبیوی و مصباحزاده: مردمان.

○ Pickthall & Saffarzadeh: the people (مردم).

○ Shaker: the people, tog ether (مردم... باهم).

۷-۲) ضحی

کلمه «ضحی» به معنای «بالا آمدن روز وقتی که نور خورشید پراکنده می‌شود» بیان شده است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۶۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۴۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۵۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۹۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۱۷۲ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ۱۹۳)، «حدوداً ساعت ۱۰ به بعد» (ر.ک؛ جوادی آملی، ذیل آیه ۵۹ سوره طه)، یعنی «چاشتگاه» و چون چاشتگاه معنایی روان نسبت به دیگر معادل‌های همسو است، در

ترجمهٔ آن پیشنهاد می‌شود که معنای تفسیری «چاشتگاه (پیش از ظهر)» لحاظ شود که در عین کوتاهی، رساترین معنا را منعکس می‌کند.

در ترجمه‌های معاصر، این معادل به صورت زیر برگردانده شده است:

○ آیتی: بدان هنگام که آفتاب بلند گردد.

○ الهی قمشه‌ای، فولادوند، مشکینی و کاویان پور: پیش از ظهر.

○ رضایی: نیمروز.

○ صفارزاده: وسط روز.

○ صفوی: آنگاه که آفتاب گسترش می‌یابد.

○ گرمارودی: در روز روشن.

○ مجتبوی: در نیمروز.

○ مصباح‌زاده و معزی: چاشتگاه.

○ مکارم شیرازی: هنگامی که روز بالا می‌آید.

○ **Pickthall:** when the sun hath risen high (وقتی که خورشید خداوند بالا رود).

○ **Saffarzadeh:** at mid-day (وسط روز).

○ **Shaker:** in the early forenoon (در اوایل پیش از ظهر).

چنان‌که مشاهده می‌شود، تنها در ترجمهٔ شاکر رعایت شده است، اما دیگر مترجمان، مشخص نیست که چه موقع را برای این واژه لحاظ کرده‌اند؛ زیرا «ضحی» حدوداً ساعت ۱۰ است. اما ترجمه به صورت مبهم «بدان هنگام که آفتاب بلند گردد // وقتی که خورشید خداوند بالا رود» از آیتی و پیکتال، «وسط روز یا نیمروز» از صفارزاده (فارسی و انگلیسی)، رضایی و مجتبوی و «در روز روشن» - در شکل مطلق و نه مشخص کردن دقیق زمان وعده - از گرمارودی ترجمه شده است و معادلی صحیح نیستند؛ زیرا «ضحی» حدوداً ساعت ۱۰ است، نه اوایل روز یا با توجه به معنای لغوی، بدان هنگام که آفتاب (و نه روز) بلند گردد. اما بقیهٔ ترجمه‌ها نیز با وجود ارائهٔ معانی تفصیلی و سلیس نبودن، معنایی در طول معنای «چاشتگاه» ارائه داده‌اند.

۳- ترجمه پیشنهادی و ارزیابی کلی ترجمه‌های معاصر از ترجمه آیه

در این ارزیابی، ابتدا ترجمه پیشنهادی برای آیه ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى﴾ ذکر شده است و آنگاه بر اساس آن، کل ترجمه‌های ارائه شده از نظر ارائه معنا برای هر واژه و نوع زیادت و نقصان و سلیس بودن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

□ **ترجمه پیشنهادی:** «موسی) گفت: زمان قرار (ما و) شما روز زینت (عید) باشد، به شرطی که (از سوی مأموران اعلام شود) مردم چاشتگاه (پیش از ظهر به سوی قرارگاه) گرد و رانده شوند».

ترجمه‌های ارائه شده از این آیه عبارت است از:

□ **آیتی:** «گفت: موعده شما روز زینت است و همه مردم بدان هنگام که آفتاب بلند گردد، گرد آیند».

ترجمه آیتی از نظر افاده درست معنای «موعده»، «جمله انشایی»، «واو»، «آن»، «یحشر» و «ضحی» اهمال کرده است؛ زیرا نه تنها معانی ارائه شده برای هر واژه صحیح نیست، جز معنای «همه مردم» برای «الناس» که معادل نسبتاً محالی است و در ارائه ترجمه تفسیری برای درج «موسی»، «ما»، «عید» و «به سوی وعده گاه» اهمال کرده است و بر همین اساس نیز یکی از ضعیف‌ترین ترجمه‌هاست.

□ **الهی قمشه‌ای:** «موسی گفت: وعده ما و شما روز زینت (یعنی روز عید قبطیان) باشد و مردم پیش از ظهر (به موعده برای مشاهده) همه گرد آورده شوند».

در این ترجمه نیز با وجود درج نشدن نشانک برای دو ترجمه تفسیری «موسی» و «ما» و ترجمه ناصحیح و ناقص از «موعده»، «واو»، «آن» و «حشر»، به دلیل ارائه ترجمه تفسیری در همه موارد لازم، ترجمه جمله انشایی از جمله نخست، روانی نسبتاً خوبی در معنای «ضحی» و در مقایسه با ترجمه آیتی، نقص کمتری دارد.

□ **رضایی:** «موسی» گفت: وعده‌گاه شما روز آرایش (عید) باشد و (روزی) که مردم نیمروز گردآوری شوند».

در این ترجمه نیز استفاده از معادل ناقص از «حشر»، اشتباه در ترجمه «موعد»، «واو» و «ضحی» و نبود ترجمه تفسیری از «کم» و «أن یحشر» و نیز وجود محاسنی همچون ارائه ترجمه تفسیری در ترجمه «موسی» و «یوم الزینة»، ترجمه جمله نخست در حالت انشایی، مانند الهی قمشه‌ای نسبتاً نقص کمتری دارد.

□ **صقارزاده:** «موسی» گفت: وعده شما روز عید زینت [معابد] خواهد بود؛ زمانی که مردم [به واسطه تعطیلی] بتوانند وسط روز اجتماع کنند».

این ترجمه نیز با وجود درج ترجمه تفسیری در دو موضع، به دلیل نقص یا اشتباه در ارائه ترجمه «موعد»، «واو»، «جمله انشایی»، «یُحشر» و ارائه نکردن ترجمه تفسیری در دیگر مواضع، از ترجمه‌های نسبتاً پرنقص است.

□ **صفوی:** «موسی» گفت: موعد شما روز عید، روز جشن و آیین باشد، با این شرط که مردم - آنگاه که آفتاب گسترش می‌یابد - آنان را روانه وعده‌گاه گردانند».

در این ترجمه نیز با وجود نقص در ترجمه «موعد» و «حشر»، اشتباه در ترجمه «ضحی»، ارائه نکردن ترجمه تفسیری از «یوم الزینة»، درج عبارت اضافی «آنان را» و درج نکردن نشانک در مشخص کردن عبارات تفسیری، مانند ترجمه‌های الهی قمشه‌ای و رضایی، از ترجمه‌های متوسط است.

□ **فولادوند:** «[موسی] گفت: موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند».

در این ترجمه نیز اشتباه ترجمه کردن «یوم الزینة» و «موعد»، معنا نکردن «واو»، نقصان در ترجمه «أن یحشر» و ارائه نکردن تفسیر در تمامی موارد، با وجود معنای صحیح از جمله انشایی در آیه و «ضحی»، از کاستی‌ها آن محسوب می‌شود.

□ **کاویان پور:** «موسی گفت: وعده شما و ما، روز عید (قبطیان) باشد. پیش از ظهر آن روز مردم جمع شوند».

کاویان پور نیز با وجود ارائه معنای تفسیری از «کم»، به دلیل درج بدون نشانک، معانی اضافی «و ما»، اشتباه ترجمه کردن «موعد»، ترجمه نکردن «واو» و «أن»، بیان معنای زائد «آن روز» و ناقص ترجمه کردن «حشر» و «یوم الزینة» و ترجمه تفسیری نکردن از آیه، نواقص بسیاری دارد.

□ **گرمارودی:** «گفت: وعده (ما با) شما روز (جشن) «آرایش» و آنکه مردم در روز روشن گردآوری شوند».

ترجمه گرمارودی نیز علاوه بر سلیس نبودن، نقایص و ضعف‌هایی در ارائه ترجمه تفسیری برای «موسی»، «أن یحشر» و ترجمه «موعد»، «جمله انشایی»، «واو»، «حشر» و «ضحی» است، هرچند به ترجمه تفسیری در دو کلمه مورد نظر اشاره داشته‌اند.

□ **مجتبوی:** «[موسی] گفت: وعده گاه شما روز آرایش - روز عید - است و آنگاه که مردمان در نیمروز گرد آورده شوند».

معانی ناقص از «الناس» و «حشر» و اشتباه در «موعد»، «جمله انشایی»، «واو» و «ضحی» از نواقص این ترجمه است. هرچند که وی در افاده ترجمه تفسیری در دو موضع موفق بوده است.

□ **مشکینی:** «موسی گفت: وعده گاه (ما و) شما روز زینت باشد (روز عیدی خاص که میانشان متعارف بود) و روزی که مردم پیش از ظهر گرد هم می‌آیند (و یا به شرط آنکه پیش از ظهر مردم گرد آورده شوند)».

مشکینی در افاده این معنا در نسبت دیگر مترجمان بسیار موفق بوده است؛ زیرا تنها نقص آن در ترجمه «أن یحشر» است.

□ **مصباح زاده:** «گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردمان چاشتگاه».

□ **معزی:** «گفت: وعده‌گاه شما روز آرایش است و آنکه گردآورده شوند مردم چاشتگاه».

صحیح نبودن ترجمه از «موعد»، «واو» و «أن»، ناقص ترجمه کردن «حشر» از ضعف‌های این دو ترجمه است. همچنین، ارائه ندادن ترجمهٔ تفسیری از چهار مورد، سبب ابهام در معنای آن شده است، هرچند برخی از این اشکال‌ها، به دلیل ترجمهٔ تحت‌اللفظی بودن آن، مانند «أن» و ترجمهٔ تفسیری قابل اغماض است.

□ **مکارم شیرازی:** «گفت: میعاد ما و شما روز زینت [روز عید] است، به شرط اینکه همهٔ مردم، هنگامی که روز بالا می‌آید، جمع شوند!».

ترجمهٔ مکارم شیرازی نیز با توجه به ضعف تنها در ارائهٔ معنای «موعد»، «الناس» و «حشر» و نیز ترجمهٔ ناصحیح از جملهٔ انشایی، نبود ترجمهٔ تفسیری از «موسی» و «أن یحشر» تقریباً نقص کمی دارد.

□ **Pickthall:** Said: Your tryst shall be the day of the feast, and let the people assemble when the sun hath risen high.

ترجمهٔ جملهٔ انشایی به صورت «باید: Shall be»، اشاره نکردن به ترجمهٔ تحت‌اللفظی برای «یوم الزینة»، عاطفه ترجمه نمودن حرف «واو»، ترجمه نکردن «أن» از اشتباهات این ترجمه است. همچنین، در این ترجمه، ترجمه‌ای تفسیری ارائه نشده است و «ضحی» و «یحشر» به ترتیب اشتباه و ناقص ترجمه شده‌اند.

□ **Saffarzadeh:** Mussa said: Your appointment will be On the Day of Festival [of the temples Which is a holiday] and people are free And can assemble at mid-day.

صفا‌رزاده نیز با اشتباه ترجمه کردن جملهٔ انشایی، ترجمهٔ مفعول‌فیه از خبر «موعد» در معنای «واو»، ترجمه نکردن «أن» و ترجمهٔ «ضحی» به معنای «وسط روز» و ناقص ترجمه کردن «حشر» نسبتاً از ترجمه‌های پُراشکال از این آیه است.

□ **Shaker:** (Musa) said: Your appointment is the day of the Festival and let the people be gathered together in the early forenoon.

ترجمه شاکر نیز با اهمال در ترجمه تحت اللفظی از «یوم الزینه»، عاطفه ترجمه کردن «واو»، ترجمه نکردن «أن» و نقص در ترجمه «حشر» به معنای «اجازه دهید... جمع شوند» از ترجمه‌های تقریباً کم‌چالش است.

نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش حاضر بعد از بررسی‌های فراوان لغتی، صرفی، نحوی و بلاغی این شد که ترجمه آیه ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى﴾، بدین صورت است: «(موسی) گفت: زمان قرار (ما و) شما روز زینت (عید) باشد، به شرطی که (از سوی مأموران اعلام شود که) مردم چاشتگاه (پیش از ظهر به سوی قرارگاه) گرد و رانده شوند». در عین حال، با بررسی ترجمه‌های فارسی معاصر (مثل ترجمه‌های فارسی آیتی، الهی قمش‌ای، رضایی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، کاویان‌پور، گرمارودی، مجتبی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم شیرازی، ترجمه‌های انگلیسی پیکتال و صفارزاده و ترجمه آمریکایی شاکر) تنها مشکینی، آن هم با وجود نقص در ترجمه «أن يحشر»، به صورت «موسی گفت: وعده‌گاه (ما و) شما روز زینت باشد (روز عیدی خاص که میانشان متعارف بود) و روزی که مردم پیش از ظهر گرد هم می‌آیند (و یا به شرط آنکه پیش از ظهر مردم گرد آورده شوند)»، در افاده آن معنا موفق بوده است و دیگر مترجمان توفیق چندانی در برگردان این آیه نداشته‌اند. از این رو، بهترین روش ترجمه برای آن، ترجمه تفسیری است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم. (۱۳۷۴). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات سروش.

_____ . (۱۳۸۰). ترجمه مهدی الهی قمش‌ای. چ ۲. قم: انتشارات فاطمه

الزهراء (س).

- _____ (۱۳۸۳). ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و دیگران. چ ۱. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- _____ (۱۳۸۰). ترجمه طاهره صفارزاده. چ ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه کوثر.
- _____ (۱۳۸۸). ترجمه محمدرضا صفوی. چ ۱. قم: دفتر نشر معارف.
- _____ (۱۳۷۸). ترجمه احمد کاویان‌پور. چ ۳. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- _____ (۱۴۱۵ق.). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چ ۱. تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- _____ (۱۳۷۱). ترجمه جلال‌الدین مجتبی‌وی. تحقیق و ویراستاری از حسین استادولی. چ ۱. تهران: انتشارات حکمت.
- _____ (۱۳۸۴). ترجمه علی موسوی گرمارودی. چ ۲. تهران: قدیانی.
- _____ (۱۳۸۱). ترجمه علی مشکینی. چاپ دوم. قم: الهادی.
- _____ (۱۳۸۰). ترجمه عباس مصباح‌زاده. چ ۱. تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.
- _____ (۱۳۷۲). ترجمه محمد کاظم معزی. چ ۱. قم: انتشارات أسوه.
- _____ (۱۳۷۳). ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی. چ ۲. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- _____ (۱۴۱۵ق.). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق عبدالباری. چ ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- _____ (۱۳۶۷). **التهایة فی غریب الحدیث و الأثر**. تحقیق محمود محمد طناحی. چ ۴. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۰۴ق.). **معجم مقاییس اللغة**. تحقیق محمد عبدالسلام هارون. چ ۱. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). **لسان العرب**. ج ۳. بیروت: دار صادر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). **تسنیم**. تحقیق سعید بندعلی. ج ۳. قم: انتشارات اسراء.
- جواهری، سید محمد حسن. (۱۳۸۴). «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم».
- پژوهش های قرآنی**. ش ۴۲ و ۴۳. صص ۱۳۶-۱۵۹.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق.). **تاج العروس**. محقق علی شیری. ج ۱. بیروت: دارالفکر.
- درویش، محیی الدین. (۱۴۱۵ق.). **اعراب القرآن الکریم و بیانہ**. ج ۴. سوریه - حمص: الإرشاد.
- روحی برندق، کاووس، علی حاجی خانی و محسن فریادرس. (۱۳۹۴). «ارزیابی ترجمه های فارسی معاصر قرآن کریم؛ مشتمل بر ماده حشر». **پژوهش های ترجمه در زبان عربی**. ش ۱۲. صص ۱۱۹-۱۴۴.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. ج ۳. بیروت: دارالکتاب العربی.
- زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۱۷ق.). **الفائق فی غریب الحدیث**. تحقیق ابراهیم شمس الدین. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق.). **المیزان فی تفسیر القرآن**. ج ۵. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. ج ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. ج ۱. بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تحقیق احمد حسینی اشکوری. ج ۳. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق احمد قصیر عاملی. ج ۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- فخر رازی، ابو عبدالله. (۱۴۲۰ق.). **مفاتیح الغیب**. ج ۳. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). **کتاب العین**. ج ۲. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق.). **تفسیر مین وحی القرآن**. ج ۲. بیروت: دار الطّباعة والنشر.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. ج ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۸ق.). **التفسیر و المفسرون**. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق.). **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**. ترجمه محمد علی آذرشب. ج ۱. قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع).
- هاشمی، احمد. (۱۳۸۷). **جواهر البلاغة**. ترجمه علی أوسط ابراهیمی. قم: حقوق اسلامی.
- Holy Quran (ND). Pickthall, Marmaduke. New York.
- _____. (ND). Shaker, Mohammad Hamid. New York: Tahrike Tarsile Quran.
- _____. (ND). Saffarzadeh, Tahereh. Tehran: Honar Bidari Publication.